



اصول فقه ۴ (حلقه ثالث)

درس ۴۰

استاد: حجت الاسلام والمسلمین علم الهدی
آموزشیار: آقای حمید تقی زاده سی سخت

خصوصیت‌های دخیل در احکام شرعی یا از شروط حکم شرعی اند یا از قیود موضوع آن هستند . در صورتی که این خصوصیت از شروط یا همان حیثیات تعلیلی باشند، از بین رفتن آن، ضربه‌ای به وحدت حکم شرعی نمی‌زند، اما اگر این خصوصیت قید موضوع یا مقوم موضوع یا همان حیثیت تقییدی باشد با از بین رفتن آن موضوع جدیدی بوجود می‌آید که موجب تعدد حکم شرعی می‌شود. بنابراین باید دانست که این خصوصیت از حیثیات تعلیلی است یا جزء حیثیات تقییدی محسوب می‌گردد. در نتیجه هرگاه خصوصیتی که از بین می‌رود، شرط حکم باشد امکان استصحاب وجود دارد. حال سؤال این است که این دو حیثیت چگونه باید از همدیگر تفکیک و بازشناخته شوند؟ این مطلبی است که در این درس به دنبال پاسخ آن هستیم.

متن درس:

و من هنا يبرز السؤال التالي: كيف نستطيع ان نميز بين الحيثية التعليلية و الحيثية التقييدية المقومة لمعروض الحكم؟ فقد يقال بان مرجع ذلك هو الدليل الشرعي لأن أخذ الحيثية في الحكم و نحو هذا الأخذ تحت سلطان الشارع، فالدليل الشرعي هو الكاشف عن ذلك فإذا ورد بلسان «الماء إذا تغير تنجس» فهما ان التغير اتخذ حثية تعليلية.. و إذا ورد بلسان «الماء المتغير متنجس» فهما ان التغير حيثية تقييدية، و على وزان ذلك «قلّد العالم» أو «قلّده إن كان عالماً» و هكذا.

و الصحيح: ان أخذ الحيثية في الحكم بيد الشارع و كذلك نحو أخذها في عالم الجعل، إذ في عالم الجعل يستحضر المولى مفاهيم معينة كمفهوم الماء و التغير و النجاسة، فبإمكانه ان يجعل التغير قيداً للماء و بإمكانه ان يجعله شرطاً في ثبوت النجاسة تبعاً لكيفية تنظيمه لهذه المفاهيم في عالم الجعل، غير ان استصحاب الحكم في الشبهات الحكمية لا يجرى بلحاظ عالم الجعل بل بلحاظ عالم المجعول، فينظر إلى الحكم بما هو صفة للأمر الخارجى لكي يكون له حدوث و بقاء كما تق دم، و عليه فالمعروض محدد واقعاً.

روش اول تمیز حیثیات تعلیلی و تقییدی

در مطالب پیش گفته بیان شد که خصوصیات دخیل در حکم شرعی گاه شرط حکم‌اند گاه قید موضوع حکم، گاه حیثیت تعلیلی گاهی حیثیت تقییدی. اگر این خصوصیات حیثیت تعلیلی باشند با زوال و تغییرشان، حکم متغیر نخواهد شد ولی در صورتی که حیثیت تقییدی باشند؛ تغیر و زوال این خصوصیات، در تغیر حکم دخالت دارد. با مطرح شدن حیثیات تعلیلی و تقییدی، سؤالی که پیش روی ما قرار می‌گیرد این است که چگونه این دو حیثیت را تشخیص دهیم؟ از کجا بفهمیم که تغیر از شروط نجاست است یا از مقومات موضوع نجاست؟ برای تشخیص حیثیات تعلیلی از حیثیات تقییدی دو روش می‌توان مطرح کرد که در اینجا به توضیح روش اول می‌پردازیم:

در این روش باید به ظاهر دلیل شرعی رجوع کرد؛ زیرا اخذ یک خصوصیت در دلیل و این که چگونه این خصوصیت اخذ شود، در اختیار شارع مقدس است و تنها دلیل صادر از شارع مقدس است که می‌تواند از نحوه اخذ یک خصوصیت در دلیل خبر دهد.

مثال

در دلیل «الماء ان تغیر فهو نجس» این تغیر به نحو شرط آمده است، بنابراین اگر تغیر زائل شد و شک کردیم که بر نجاست باقی است یا نه مجرای استصحاب نجاست است. اما اگر به این شکل بود که «الماء المتغیر نجس» ظاهر دلیل این است که تغیر، قید موضوع است و از مقومات موضوع است و نسبت به حکم شرعی حیثیت تقییدی پیدا می‌کند. بنابراین اگر تغیر از بین رفت و آب همچنان نجس باشد، مجرای استصحاب نیست.

در مثال دوم می‌خواهیم بدانیم علم که در جواز تقلید دخالت دارد حیثیت تقییدی است یا حیثیت تعلیلی؟ با رجوع به لسان دلیل، اگر شارع بگوید «قلّد العالم» حیثیت تقییدی است و با از بین رفتن علم، امکان ادامه تقلید وجود ندارد. اما اگر بگوید «قلّدّه ان کان عالماً» اینجا علم در قالب شرط است و می‌فهمیم حیثیت تعلیلی است و اگر علم از بین برود امکان ادامه تقلید وجود دارد.

متن عربی و نکات تطبیقی

و من هنا یبرز السؤال التالي: كيف نستطيع ان نميز بين الحيثية التعليلية و الحيثية التقيدية المقومة لمعروض الحكم؟. فقد يقال (١) بان مرجع ذلك هو الدليل الشرعي لأن أخذ الحيثية في الحكم و نحو هذا الأخذ تحت سلطان الشارع، فالدليل الشرعي هو الكاشف عن ذلك فإذا ورد بلسان «الماء إذا تغیر تنجس» فهاهنا ان التغیر اتخذ حیثية تعليلية و إذا ورد بلسان «الماء المتغیر متنجس» فهمنا ان التغیر حیثية تقيدية، و على وزان ذلك «قلّد العالم» أو «قلّدّه ان کان عالماً» و هكذا.

١. پاسخ نخست

Sc01:09:40

نقد روش اول تمیز حیثیات

بیان شد که یک روش برای تمیز حیثیات تعلیلی از تقییدی این است که به لسان ادله رجوع کرده و چگونگی اخذ خصوصیات دخیل در حکم شرعی را بدست بیاوریم. این سخن مورد پذیرش شهید صدر (ره) قرار نگرفته است و در

نقد آن می‌فرماید: درست است که اخذ یک حیثیت در حکم شرعی و اختیار چگونگی و نحوه اخذ آن در عالم جعل به دست شارع است؛ اما نکته این است که ما با عالم جعل کاری نداریم و استصحاب حکم در شبهات حکمیه مربوط به عالم مجعول و فعلیت است و این روش مشکل ما را حل نخواهد کرد.

روش دوم تمیز حیثیات تعلیلی و تقیدی

راه دومی که شهید صدر (ره) مطرح می‌کند، مراجعه به عالم خارج است، طبق این بیان تا زمانی که حکم مربوط به عالم جعل است و به فعلیت نرسیده است، ارتباطی به امور خارجی ندارد. معروض این چنین حکمی، عبارت از تمام قیودی است که شارع مقدس مفروض الوجود دانسته است. اما به محض آن که موضوع حکم شرعی در خارج محقق شد و به مرحله فعلیت رسید و مجعول شد دیگر معروض حکم ذهنی نبوده و یک امر خارجی است؛ زیرا صفتی از صفات امر خارجی شده است.

مثال

وقتی شارع مقدس می‌خواهد وجوب حج را جعل کند معروض آن را مکلف مستطیع فرض می‌کند، اما وقتی در خارج زیدی پیدا شد که در سن تکلیف مستطیع شد معروض وجوب حج زید خارجی است. اینجا دیگر وجوب حج بر مکلف مستطیع لایق نشده است، بلکه به زید تعلق گرفته و وصف زید شده است.

ادامه مطلب

حکم، صفت امر خارجی است و این صفت همان عرض است. پس اگر می‌گوییم معروض، منظور موصوف و موضوع است. واضح است که اگر در مرحله مجعول به حکم نظر کنیم به عنوان صفتی از صفات خارجی است و حدوث و بقا دارد. استطاعت حج، وقتی در زید پدید آمد، حدوث پیدا می‌کند و تا استطاعت دارد وجوب بر عهده اوست و بقا پیدا می‌کند.

نتیجه

حاصل مطلب این است که چون حکم شرعی در عالم خارج و در مرحله فعلیت، صفت امر خارجی است، پس معروض حکم شرعی در عالم خارج، امر معینی است و باید با نگاه به عالم خارج آن را بشناسیم تا بتوان موضوع حکم شرعی را با تمام قیودی که دارد شناخت.

متن عربی و نکات تطبیقی

و الصحيح: ان أخذ الحيثية في الحكم بيد الشارع و كذلك نحو أخذها في عالم الجعل، إذ في عالم الجعل يستحضر المولى مفاهيم معينة كمفهوم الماء و التغير و النجاسة، بإمكانه ان يجعل التغير قيداً للماء و بإمكانه ان يجعله شرطاً في ثبوت النجاسة تبعاً لكيفية تنظيمه لهذه المفاهيم في عالم الجعل، غير ان استصحاب الحكم في شبهات الحكمية لا يجري بلحاظ عالم الجعل بل بلحاظ عالم المجعول، فينظر إلى الحكم بما هو صفة للأمر الخارجي لكي يكون له حدوث و بقاء كما تقدم، و عليه (١) فالمعروض (٢) محدد واقعاً.

١. بنابراین که حکم صفت امر خارجی باشد.

Sco:۲۱:۳۱

۱. روش اول برای تشخیص حیثیات تعلیلی از حیثیات تقییدی این است که به ظاهر دلیل شرعی رجوع کنیم؛ زیرا اخذ یک خصوصیت در دلیل و این که چگونه این خصوصیت اخذ شود، در اختیار شارع مقدس است.
۲. شهید صدر (ره) در نقد روش اول می فرماید: هر چند اخذ یک حیثیت در حکم شرعی و اختیار چگونگی و نحوه اخذ آن در عالم جعل به دست شارع است؛ اما نکته این است که ما با عالم جعل کاری نداریم و استصحاب حکم در شبهات حکمیه مربوط به عالم مجعول و فعلیت است.
۳. راه دومی که شهید صدر (ره) مطرح می کند، مراجعه به عالم خارج است، چون حکم شرعی در عالم خارج و در مرحله فعلیت، صفت امر خارجی است، پس معروض حکم شرعی در عالم خارج، امر معینی است.
۴. حکم، صفت امر خارجی است و این صفت همان عرض است. پس اگر می گوییم معروض، منظور موصوف و موضوع است.